زاویه

تاکتیک دوگانه ایران با «۱+۵» و آژانس

اردشیر زارعی قنواتی
کارشناس سیاست خارجی

وزرای امور خارجه ایران و گروه «۵+۱» در شرایطی از مذاکرات وین به سمت پایتخت کشورهای خود برگشتند که تا حدود زیادی موضوعات باقیمانده و برنامه کاری از وضعیت تکنیکی گذر کرده و به سطح یک تصمیم بزرگ سیاسی در هر دو سمت ماجرا رسیده است. هشت‌ماه مذاکره منظم، دارای چارچوب و متفاوت با گذشته، اثر خود را بر جای گذاشته است. اظهارنظرهای مقامات ایرانی و همتایان آنان در گروه «۵+۱» بعد از پایان این دور از نشست به خوبی نشان می‌دهد که هر دو طرف بیش از همیشه به آستانه توافق نهایی نزدیک شده‌اند و فضای اعتماد بین آنان به‌تدریج ناهمواری‌های راه را از پیش پایشان برداشته است.

در کنار همه اینها حرکت دوگانه ایران در گفت‌وگوی همزمان با گروه «۵+۱» و آژانس هسته‌ای، یکی دیگر از تاکتیک‌های موفق تیم مذاکره‌کننده جدید هسته‌ای بود و گزارش تازه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر «پایبندی ایران به توافق ژنو» همزمان با توافق تمدید مهلت مذاکرات هسته‌ای جایگاه تهران را در دور بعدی مذاکرات تحکیم کرد و سطح اعتمادسازی را بالاتر خواهد برد. البته هنوز بسیار زود است که از حل و فصل تمامی اختلافات بین طرفین سخن گفت چراکه مکانیسم اجرایی توافقات آتی بسیار پیچیده و تا حدود زیادی به اراده سیاسی طرفین بستگی خواهد داشت.

با توجه به ساختار قدرت در ایران در صورت توافق اصولی با عدم توسعه غیرسازی در یک بازه زمانی قابل قبول برای دو طرف از سوی مقامات ارشد نظام جمهوری اسلامی، تقریبا می‌توان گفت که هرگونه ایجاد موانع و کارشکنی در سطح میانی قدرت از سوی جناح‌های افراطی مخالف دولت «حسن روحانی» یا شکست رویه‌رو شده و اراده نظام برای توافق اصولی بر تمامی این بازی‌ها فایق خواهد آمد. در ابعاد خارجی موضوع به خصوص در ساختار سیاسی واشنگتن که طرف اصلی ایران در این پرونده است اما شرایط تا حدودی پیچیده‌تر و سخت‌تر خواهد بود به جهت قدرت جمهوری‌خواهان در اختیارداشتن مجلس نمایندگان آمریکا و همسویی بسیاری از دموکرات‌های سنا با جناح تندرو برای فشار بر ایران و احتمال عدم لغو تحریم‌های کنونی علیه تهران، کار برای «باراک اوباما» و دولت وی آسان نخواهد بود. محافظه‌کاران در کنگره آمریکا تا آخرین لحظه و بالاترین توان برای ادامه اعمال فشار بر ایران استفاده کرده و به راحتی به جهت منافع جناحی و نفوذ لابی یهودی بر این نمایندگان تسلیم منطق سیاسی برای دستیابی به یک مصالحه مرضی‌الطرفین نخواهند شد.

آخرین نظرسنجی در آمریکا که از سوی نهاد برنامه مشاوره عمومی؛ و مرکز مطالعات بین‌المللی و امنیتی دانشگاه میریلند انجام گرفته است نشان می‌دهد که ۶۱درصد از مردم این کشور از یک توافق مشروط حول پرونده هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند که همین اقبال عمومی به دیپلماسی اوباما در موضوع این پرونده به رییس جمهوری این توان را می‌دهد که کفره را به عقب‌نشینی وادار کند.

حالا همه بازیگران سیاسی و مذاکره‌کنندگان در کنفرانس وین به همراه تحلیلگران و خبرنگاران حاضر در این شهر در شرایطی به سر می‌برند که برخی از دور بعدی مذاکرات و دوئل نهایی آماده می‌کنند. تمدید چهارماهه مذاکرات حول پرونده هسته‌ای ایران در چارچوب اقدام مشترک در شرایطی اتفاق افتاد که مذاکره‌کنندگان ایرانی و گروه «۵+۱» در مرز اعتمادسازی و چیدن قطعات پازل ستد نهایی تا حدود زیادی بر موانع فائق آمده و برآیندهای خاتمی تدوین شده هم‌اکنون مستلزم یک تصمیم بزرگ سیاسی برای بهره‌برداری از موقع باقیمانده در تهران و واشنگتن است. این تصمیم سیاسی که در مسیر مذاکرات نقش تعیین‌کننده دارد یک دوطرفه و خصوص محدودکردن و عدم توسعه غیرسازی در ایران و رفع تدریجی تحریم‌ها در مقابل دور مذاکرات خواهد داشت.

برآیند توافقی که منجر به تمدید مهلت جدید برای مذاکرات نشان می‌دهد که با ۶۱درصد از مردم این کشور از یک توافق مشروط حول پرونده هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند که همین اقبال عمومی به دیپلماسی اوباما در موضوع این پرونده به رییس جمهوری این توان را می‌دهد که کفره را به عقب‌نشینی وادار کند.

با توجه به سیاست کشورهای عضو گروه «۵+۱» در شرایطی از مذاکرات وین به سمت پایتخت کشورهای خود برگشتند که تا حدود زیادی موضوعات باقیمانده و برنامه کاری از وضعیت تکنیکی گذر کرده و به سطح یک تصمیم بزرگ سیاسی در هر دو سمت ماجرا رسیده است. هشت‌ماه مذاکره منظم، دارای چارچوب و متفاوت با گذشته، اثر خود را بر جای گذاشته است. اظهارنظرهای مقامات ایرانی و همتایان آنان در گروه «۵+۱» بعد از پایان این دور از نشست به خوبی نشان می‌دهد که هر دو طرف بیش از همیشه به آستانه توافق نهایی نزدیک شده‌اند و فضای اعتماد بین آنان به‌تدریج ناهمواری‌های راه را از پیش پایشان برداشته است.

در کنار همه اینها حرکت دوگانه ایران در گفت‌وگوی همزمان با گروه «۵+۱» و آژانس هسته‌ای، یکی دیگر از تاکتیک‌های موفق تیم مذاکره‌کننده جدید هسته‌ای بود و گزارش تازه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر «پایبندی ایران به توافق ژنو» همزمان با توافق تمدید مهلت مذاکرات هسته‌ای جایگاه تهران را در دور بعدی مذاکرات تحکیم کرد و سطح اعتمادسازی را بالاتر خواهد برد. البته هنوز بسیار زود است که از حل و فصل تمامی اختلافات بین طرفین سخن گفت چراکه مکانیسم اجرایی توافقات آتی بسیار پیچیده و تا حدود زیادی به اراده سیاسی طرفین بستگی خواهد داشت.

با توجه به ساختار قدرت در ایران در صورت توافق اصولی با عدم توسعه غیرسازی در یک بازه زمانی قابل قبول برای دو طرف از سوی مقامات ارشد نظام جمهوری اسلامی، تقریبا می‌توان گفت که هرگونه ایجاد موانع و کارشکنی در سطح میانی قدرت از سوی جناح‌های افراطی مخالف دولت «حسن روحانی» یا شکست رویه‌رو شده و اراده نظام برای توافق اصولی بر تمامی این بازی‌ها فایق خواهد آمد. در ابعاد خارجی موضوع به خصوص در ساختار سیاسی واشنگتن که طرف اصلی ایران در این پرونده است اما شرایط تا حدودی پیچیده‌تر و سخت‌تر خواهد بود به جهت قدرت جمهوری‌خواهان در اختیارداشتن مجلس نمایندگان آمریکا و همسویی بسیاری از دموکرات‌های سنا با جناح تندرو برای فشار بر ایران و احتمال عدم لغو تحریم‌های کنونی علیه تهران، کار برای «باراک اوباما» و دولت وی آسان نخواهد بود. محافظه‌کاران در کنگره آمریکا تا آخرین لحظه و بالاترین توان برای ادامه اعمال فشار بر ایران استفاده کرده و به راحتی به جهت منافع جناحی و نفوذ لابی یهودی بر این نمایندگان تسلیم منطق سیاسی برای دستیابی به یک مصالحه مرضی‌الطرفین نخواهند شد.

عکس: محمد جهدی جوان

دیدگاه دیپلمات

گفتاری از سیدعلی خرم، مسوول پیشین نمایندگی ایران در مقر اروپایی سازمان ملل

تفاوت‌های دیپلماسی هسته‌ای دولت روحانی

دیپلماسی و مذاکرات در فضایی می‌تواند رخ دهد و موفق شود که طرفین یکدیگر را قبول داشته باشند، به‌یک هدف مشترک در مذاکرات رسیده باشند و اعتقاد به نتیجه برد- برد پیدا کرده باشند. از زمانی که در مهرماه سال ۱۳۸۴ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه تندی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران صادر کرد و ایران را متهم به نقض تعهدات کرد تا اینکه پرونده ایران در اسفند همان سال به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد، ایران هیچ‌گاه با اعضای اتحادیه اروپا بر سر دیپلماسی و مذاکره واقعی نداشت. رییس‌جمهور سابق قطعنامه‌ها را ورق‌پاره‌ای بیش نخواند و آنها را به سخره گرفت و در فکر مدیریت جهانی بود. دیگر مقامات هم در پاسخ به منخصصان، دانشگاهیان و دلسوزان که آنها را تشویق به مذاکره به‌جای رفتن به شورای امنیت می‌کردند، می‌گفتند ما را از شورای امنیت نترسانید، شورای امنیت لولو نیست! در صحنه دیپلماسی و مذاکره وضع بدتر از این بود، رفت و آمدهایی کلیشه‌ای و نشست و برخاست‌هایی بی‌محتوا که صرفا به اعلام یک‌طرفه مواضع می‌انجامید، نه یک‌دیگر را قبول داشتند، نه به‌یک هدف مشترک در مذاکرات رسیده بودند و نه اعتقاد به کسب نتیجه آن‌هم از نوع برد - برد داشتند. هر طرف به‌دنبال شکست دیگری بود و صرفا موضع خود را بیان می‌کرد.

در ابتدای سال ۱۳۹۲ مردم ایران با اینکه از آرزوی صلح‌آمیز هسته‌ای حمایت می‌کردند ولی نمی‌دانستند چرا ایران و جهان با هم درافتاده‌اند؟ از یک طرف گفته می‌شد انرژی هسته‌ای ما صلح‌آمیز است و ما تسلیحاتی نخواهیم شد؛ زیرا طبق فتوا حرام است و از طرف دیگر رییس‌جمهور سابق مرتبا به‌طور مستقیم و غیر مستقیم درباره اینکه ما به باشگاه هسته‌ای ۹ کشور پیوسته‌ایم سخن می‌گفت و جهان هم آن را علامتی آشکار مبنی بر تولید سلاح هسته‌ای در ایران تلقی می‌کرد و فشارهای سیاسی، تهدیدات نظامی و تحریم‌ها افزایش پیدا می‌کرد. بعد از سال‌ها پرونده هسته‌ای ایران مسیر پرپیچ‌وخم سیاسی خود را طی کرد و به‌ویژه در هشت‌سال گذشته این پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داده شد و پنج قطعنامه علیه ایران صادر شد و این قطعنامه‌ها لازم‌الاجرا و لازم‌الاتباع برای همه کشورهای دنیا شدند که تحریم‌ها اثر وجودی آنها به‌شمار می‌رفتند. به‌دنبال آن آمریکا و سپس اتحادیه اروپا تحریم‌های ظالمانه یک‌جانبه خود را بر کشورمان تحمیل کردند. تحریم‌های شورای امنیت به‌دلیل کسب اجماع جهانی جنبه قانونی دارد و جدای از این که حق یا ناحق باشند جهان آن را به عنوان مصوبات حقوق بین‌الملل قبول دارد، بنابراین هر گونه ایستادگی در مقابل قطعنامه‌های شورای امنیت باعث درگیری با کل جامعه بین‌المللی می‌شد و دکتر روحانی بعد از سرکارآمدن باید پرونده هسته‌ای ایران را از این بن‌بست داخلی و خارجی بیرون کند.

پیام مردم در انتخابات سال گذشته، اصلاح پرونده هسته‌ای به طریقی بود که کشور با جامعه بین‌المللی راه همکاری و تعامل سازنده را در پیش گرفته به‌ترتیبی که اصل صنعت و تکنولوژی هسته‌ای در کشور باقی مانده و به راه پیشرفت خود ادامه دهد اما با جهان به مرز تنش و تشنج نرسیم.

رییس‌جمهور دکتر روحانی با درک پیام مردم درصدد برآمد راهبردی جدید در سیاست خارجی اتخاذ کند که در پرتو آن پرونده هسته‌ای هم بتواند راه پرپیچ‌وخم خود را طی کرده و به آنچه مردم می‌خواهند برسد. در این راستا نه‌تنها تحریم بلکه بیشتر از آن سودمدیریت دولت قبلی باعث نزول وضعیت اقتصادی مردم شده بود که باید تصحیح شود. جامعه جهانی هم از ادامه آن وضعیت تشنج‌آور خسته و نگران شده بود زیرا پایان آن سیاست، درگیری نظامی با ایران بود که بایستی‌ناخواست جنگ کشور نظیر عربستان و اسرائیل، چنین درگیری نظامی مطلوب جامعه جهانی و غرب نبود زیرا بهتر حل خسارات فراوانی هم به ساختار خاورمیانه وارد می‌آمد که منافع غرب و به‌ویژه آمریکا را در صدمه قرار می‌دهد که در مسایل سوریه، عراق، لبنان، فلسطین و... نقش آفرینی بیشتری صورت دهد. همچنین این تفاهم، مقدمه‌ای برای بهبود روابط بین ایران و غرب به شمار می‌رود که نبعات آن ابعاد وسیعی داشته که در حیاتی دیگر قابل طرح و ارزیابی خواهد بود. این تفاهم به برنامه‌ریزان اقتصادی، مالی و صنعتی اسلامی هم اجازه می‌دهد برنامه‌های جدید مدون کنند که عاری از بسیاری از مشکلات گذشته باشد تا این بار به سودمدیریت بلکه با درس‌های گرفته شده از مدیریت هشت‌سال گذشته، راه آینده را اطمینان بخش‌تر هموار سازد به ترتیبی که در این قبیل حوادثی نظیر تحریم‌ها کشور مقاوم‌تر باشد. این مهم می‌طلبد هر کس در بخش خود به یاری مذاکره‌کنندگان پرونده هسته‌ای و سیاست خارجی شتافته و احیانا بحث‌های تشویش افکارعمومی، با ایفای نقش مناسب خود کشور را در مسیر عبور از این مرحله مورد حمایت قرار دهد.

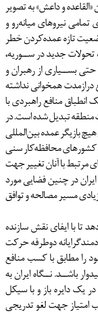

حمیدرضا آصفی در گفت‌وگو با «شرق»:

روش تیم مذاکره‌کننده، ابزار به نتیجه‌رسیدن مذاکرات است

حامد طبیبی: یکی از مولفه‌های اصلی دیپلماسی، اطلاع‌رسانی بهنگام و موثر است. هرچند در پاره‌ای موارد، قرار بر عدم‌انتشار هسته آنچه در پشت درهای بسته موجود بحث قرار گرفته نیست اما با توجه به در کانون توجه‌بودن امر دیپلماسی در جهان، مسوولان این حوزه یک پای ثابت اظهارنظرهای رسانه‌ای نیز بشمار می‌روند. موضوع هسته‌ای ایران نیز از آن دست مسایلی است که مورد توجه قاطبه رسانه‌های جهانی قرار دارد. یکی از روی کارآمدی دولت یازدهم، انتقال مسائل هسته‌ای به وزارت خارجه و تغییر تیم مذاکره‌کننده، اعضای این تیم روزنی متفاوت با گذشته و از بخش اطلاع‌رسانی در پیش گرفته و همسه رسانه‌های داخلی و خارجی، از این رویکرد استقبال کردند. حمیدرضا آصفی که در مقام سخنگوی وزارت خارجه دولت اصلاحات، با جلسات هفتگی با اهالی رسانه روبه‌رو بود مرکز مهم شناخته شده است در گفت‌وگو با «شرق» به بررسی تاکتیک‌ها و روش‌های تیم مذاکره‌کننده در ۹ ماه گذشته پرداخت. وی به‌عنوان یکی از سخنگویان وزارت خارجه دیپلماسی و هسته‌ای، سایر پرسش‌ها را نیز با روی گشاده پاسخ گفت که در ادامه می‌آید.

▪ تفاوت‌های مذاکره در تاکتیک و روش در دو ماه مذاکره‌ای به توافق ژنو و شش ماه مدت این توافق تا گذشته از دو ماه می‌دانید؟ تیم جدید مذاکره‌کننده هسته‌ای، چگونه با تمایز گفتمان، غرب را پاسخ‌به مذاکرات؟

ما در شیوه مذاکره دولت جدید و قبلی، تفاوت‌هایی جدی را مشاهده می‌کنیم. اگر ما بازگشت هسته‌ای از اینجا تاکنون را مورد کنیم با چهار مقطع مواجه می‌شویم. یک مقطع ورود به آن گفتگو و توافق مذاکره می‌گفت. سیاس گلایچلی در مقطعی کوتاه، این مسوولیت را عهده‌دار بود. پس از آن دوران آقای جلیلی بود و مقطع فعلی که آقای دکتر ظریف عهده‌دار مسوولیت مذاکرات هستند. هدف هر چهار مذاکره‌کننده در هر چهار دوره، تامین منافع ملی بود. هر چهار تیم به‌دنبال این بودند که بتوانند حقوق هسته‌ای جمهوری اسلامی را تضمین کنند و از منافع کشور حمایت کنند اما به‌طور طبیعی روش‌ها متفاوت بود و البته فقط این روش‌های متفاوت تیم مذاکره‌کننده فعلی نبوده که در نتیجه مذاکرات، موثر واقع شد. فضای بین‌المللی و شرایط جمهوری اسلامی هم با گذشته متمایز بود. این شرایط باعث شده ما در پیش از ۱۰ سال مذاکره، قرار و فروذهایی داشته باشیم. برگردم به سوال مشخص شما. گفتمان دولت جدید از گفتمان سلبی پیشین که تا حدی خارج از چارچوب دیپلماتیک معمول در جهان بود فاصله گرفت و تبدیل به گفتمان ایجابی و نزدیک‌تر به ادبیات رایج دیپلماسی در دنیا شد. موضوع دیگر، شرایط پیرامونی بود. در دوسال گذشته شرایط ما در جهان بهتر شده و این به دلیل اتفاق‌هایی است که در جهان رخ داده است. بیداری اسلامی و سمت و سویی که پیدا کرد، اتفاقات سوریه که مذاکرات هسته‌ای‌کننده توانستند در آن موفق شوند و البته شرایط آمریکا و اروپا در این زمینه موثر بود. هیچوقت در دوران معاصر، آمریکا در شرایط ضعیف کنونی قرار نداشته است و حتی با متحدان خود هم نمی‌تواند روابط گذشته را داشته باشد.

▪ چقدر مسایل داخلی و تحولات سال ۹۲، بر بالاس سیاسی میان ایران و کشورهای ۵+۱ تاثیرگذار بود؟

حتما این مسائله تاثیر قابل توجهی داشت. ما دارای دموکراسی هستیم و این در انتخابات سال ۹۲ تاثیر گذاشت. آقای روحانی بر خلاف انتظاراتی که وجود داشت رای آورد. این اتفاق نشان داد که مردم به تفکر دیگری تمایل دارند. این حال که یکی از کاندیداها که نزدیک به جناحی بود که در هشت سال پیش از انتخابات در قدرت بودند، فکر می‌کرد حتما پیروز است ولی مردم به دیگری رای دادند. این مساله نشان می‌داد مردم روی متفاوت و گفتمان دیگری را انتخاب کرده‌اند. چون گفتمان دکتر روحانی با اکثر کاندیداها متفاوت بود. دنیای بیرونی، این موضوع را دریافت کرد که فضا متفاوت شده است. اما از سوی دیگر نمی‌توان کتمان کرد پافشاری‌های گذشته بر حقوق قانونی ایران و عدم توقف آمریکا برای واداراساختن ایران به صرفنظرکردن از این حقوق، که حاصل تلاش همه دست‌اندرکاران در دهای گذشته است، بر تغییر موضع فعلی باشد تاکید می‌کنند اگر بیان می‌کنم اینجا باشد دلت نمی‌رود سرعت بگیرد پیام کلیشه قلمی مقام معظم رهبری مبنی بر «نرمش قهرمانانه» بود که یک توفیق بزرگ برای تیم هسته‌ای به شمار می‌رفت. دکتر ظریف و همکارانش نیز چون دیپلمات‌های کارکشته بودند و «فن مذاکره» را به خوبی می‌شناختند با همفکری مسوولان ارشد نظام، مسیر فعلی را طراحی کردند.

▪ آنچه پس از کار گذاشته‌شدن تیم هسته‌ای دوران اصلاحات و آغاز دوران علی لاریجانی و سعید جلیلی در مقام مذاکره‌کننده رشد هسته‌ای دیده شد این بود که به یک مساله‌ایه و چارچوب نرسیدند که به‌نوعی «سنگ بنا» و طبیعت یک مذاکره دارای چارچوب است. این موضوع جطور در این دوره رقم شد؟

این مساله در نتیجه به سلیقه مذاکره‌کنندگان بازمی‌گردد. من سوال شما را اینگونه پاسخ می‌دهم؛ تیم مذاکره‌کننده قبلی، بیشتر درگیر تئوری بود و تا حد زیادی بر روی مباحث متمرکز شده بود و از عمل گرایی فاصله گرفته بود. این روش وقتی که مذاکره برای رسیدن به نتیجه برای هدفی مشخص انجام می‌شود، خیلی کاربردی نیست. البته ممکن است ما یک کشوری در مورد موضوعی مذاکره کنیم مثلا اجرای به قحطی در آفریقا یا کشوری مذاکره کنید و می‌توان تئوری‌پردازی کرد چون به‌طور مستقیم با مذاکره‌کننده نیست. البته موضوع از نظر سیاسی بسیار مهم است اما به طور روزانه با منافع ملی سر و کار ندارد. با تجاوزات آمریکا به آمریکای لاتین را می‌توان ۱۰۰ سال به بحث گذاشت. اما در مذاکراتی که برای رسیدن به نتیجه مشخص و در حقوق زمان انجام می‌شود، باید با یک تیم مواجه بود که بتواند دکته‌ی کرد که لازم است بگویم صرفا متوجه تفکر تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای قبلی نیست بلکه به بلور دولت احمدی‌نژاد بازمی‌گردد. اینکه همچنین به هم گره زده شده بود. هر چند بود مذاکرات هسته‌ای صورت گیرد

تیم مذاکره‌کننده قبلی بیشتر درگیر تئوری بود و تا حد زیادی بر روی مباحث متمرکز شده بود و از عمل‌گرایی فاصله گرفته بود. این روش برای وقتی که مذاکره برای رسیدن به نتیجه برای هدفی مشخص انجام می‌شود خیلی کاربردی نیست

اما تعبیر روبکرد داده‌اند. اظهارات آقای اوباما و دیگران را ببینید. سخنگوی وزارت خارجه بلافاصله صراحتا و صریحا گمر هست بستاند تا مذاکرات به نتیجه برسد. چرا؟ چون آنها نیز نیاز متقابل به توافق دارند. چون از تحریم، تهدید و حمله نظامی نتیجه نگرفتند. معمولا تحریم‌ها برای تغییر رفتار کشورهاست. ما در حوزه هسته‌ای تغییر رفتار دادیم؛ صدها سانتریفیوژ به هزاران تبدیل شد و برنامه هسته‌ای توسعه داده شد پس مسایل تحریم ایران جواب نداده است.

موضوع دوم این است که آقای اوباما در عرصه دیپلماسی در تنگنا قرار گرفته است. اخیرا نظرسنجی‌ای منتشر شد که اوباما نامونق‌ترین رییس‌جمهور در حوزه سیاست خارجی بوده است. در عراق، عسایل قضایا تحت فشار است در سوریه، شریک سعودی تولد است، به تحریم توسعه نرسید و افرادی به‌عنوان محافظ دولت قطل شدند که تورییست تکفیری و سلفی به سلاح می‌روند و جهان از آنها می‌هراسد. موضوع فلسطین، به یک چالش حقوق بشری و جهانی برای آمریکا تبدیل شده است و موضوع اوکراین و مناقشه این کشور با روسیه نیز به اینها اضافه شد. اوباما نیاز دارد تا برگ برنده‌ای، در داخل رو کند و بگوید موضوع هسته‌ای ایران را که مورد اختلاف جهانی بود از طریق مذاکره به نتیجه رسانده است.

▪ اما آیا شرایط سختی را برای مبادلات خارجی و اقتصاد ایران بسبب آوردند و به‌دنبال تصمیم تحریم‌ها ایران را به تسلیم وادار کنند؟

من پاسخ به سفرای غربی حاضر در کشورمان را بدهم. آیا فشار تحریم‌ها به پای میز مذاکره آمدیم؛ آمریکا و اروپا را چه چیزی پای میز مذاکره کشاند؟ این حرف‌ها واقعا در عالم واقع، ما بدازیی ندارد. با کشور ضعیف‌شده در اثر تحریم که مذاکره نمی‌کنند بلکه منابع لیبی و عراق دوران پایانی صدام با آن برخورد می‌کنند. این موضوعی است که دوستان ما در وزارت خارجه باید زیاد روی آن مانور دهند. اگر ایران قدرت نداشت، شش هیات بلندپایه و در سطح بالای دیپلماتیک، چندین ماه وقت خود را برای مذاکرات طاقت‌فرسا با ایران صرف می‌کردند؟ خب اگر تحریم‌ها جواب داده است، طرف غربی منتظر از یا درآمدن ایران باشد و زحمت این همه مساله و حواشی چهانی آن و با خود تندهد. جهان امروز، جهان زور است و شیوه‌های غیراخلاقی اگر یک کشور، قوی نباشد اساسا در معادلات جهانی حساب نمی‌شود. پرونده هسته‌ای این‌چیجت و بر اساس همان منطق زور، به شورای امنیت فرستاده شد و ملت ایران از حقوق قانونی، محروم شده است اما نتیجه‌های برای غرب در بر نداشته است. پس غرب هم حتما تعبیر روبکرد داده است اما از باب اضطرار.

▪ شما به‌عنوان فردی که از رسانه‌ای ترین دیپلمات‌های کشور به شمار رفته و در دوران سخنگویی، بیشترین نشست‌های خبری با اصحاب رسانه را داشتید، روش تیم مذاکره‌کننده از منظر اطلاع‌رسانی را چگونه می‌بینید؟ این مساله را وقتی با دوره قبل که امکان طرح انتقادات فراهم بود و اعضای تیم هم کمتر به جمع رسانه‌ها می‌آمدند مقایسه می‌کنیم این سوال پیش می‌آید که این بر اساس ویژگی‌های فردی است یا یک تاکتیک سیاسی؟

نمی‌دانم امری فردی است یا تاکتیک؟ زمانی که سخنگوی وزارت خارجه بودم آقای روحانی دبیر شورای امنیت‌ملی بود و پس از دولت اصلاحات که آقای لاریجانی این سمت را عهده‌دار بود، من مدت کوتاهی سخنگو باقی ماندم. من با هردو آنها در تماس مرتب بودم و پیش از نشست‌های خبری به آنها صحبت می‌کردم. آنها خطمشی‌ها را می‌گفتند و من هم آن موضوعی به نظرم می‌رسید بیان می‌کردم. آقای خرازی هم روز صبح قبل از آغاز کار، جلسه‌ای با حضور معاونین و سخنگو برگزار می‌کرد و من هم شرکت می‌کردم. مهم خبری در آن بحث می‌شد. آقای خرازی چون چهره‌ای خبری بود و رییس خبرگزاری بود با همه مسوولان وزارت خارجه در این سال‌ها از این سال‌ها از تجربه نیز تجلیل می‌کرد. هیچکس مثل ایشان خبر را نمی‌شناسد. شاید تخصا قدری دورن‌گرا باشد اما به‌لحاظ شناخت خبر بسیار خبره است و کار با خبرنگار، خبرگزاری و اهمیت خبر را به‌خوبی می‌شناسد. این امر باعث شد وزارت خارجه در دوران اصلاحات در این حوزه قوی عمل کند. آقای دکتر ظریف نیز که با همه ابزارهای مدرن و موضوع رسانه‌ای به اطلاع‌رسانی می‌پردازد مدت‌ها با دکتر خرازی در نیوورک همکار بود است. آن فضا باعث شده ایشان هم بدانند که باید یکی از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی، رسانه است و خود آیات محترم، امور خود را از این طریق پیش می‌برد. کشور کوچکی مانند قطر با شبکه الجزیره، آگهی هم جا را به هم می‌برند در شرایط فعلی، تیم مذاکره‌کننده به خوبی اطلاع‌رسانی می‌کند فقط گاهی بعضی تعدد موضع‌گیری‌ها، اگر قرار غیری خبرسنانی و خبری باشد می‌تواند تناقض‌هایی را هم پیدا کند که باید رفع شود.

▪ گفته می‌شود مسایل حقوقی میان ایران و ۵+۱ تا حد زیادی حل شده است. اینکه ما از پرونده هسته‌ای ایران خارج شویم یا تا توافقاتیه ارزیابی می‌کنید؟

▪ اما آیا شرایط سختی را برای مبادلات خارجی و اقتصاد ایران بسبب آوردند و به‌دنبال تصمیم تحریم‌ها ایران را به تسلیم وادار کنند.

▪ آیا تعبیر روبکرد در مقطع نوعی تغییر رویکرد دیده می‌شود یا یک نوع‌هم

▪ آیا اینکه غرب با توجه به رفتار برخی کشورهای خاورمیانه در ترویج بنیادگرایی، ترجیح می‌دهند شریک مطمئن و بااثباتی مثل ایران داشته باشند.

آیا تعبیر روبکرد داده‌اند. اظهارات آقای اوباما و دیگران را ببینید. سخنگوی وزارت خارجه بلافاصله صراحتا و صریحا گمر هست بستاند تا مذاکرات به نتیجه برسد. چرا؟ چون آنها نیز نیاز متقابل به توافق دارند. چون از تحریم، تهدید و حمله نظامی نتیجه نگرفتند. معمولا تحریم‌ها برای تغییر رفتار کشورهاست. ما در حوزه هسته‌ای تغییر رفتار دادیم؛ صدها سانتریفیوژ به هزاران تبدیل شد و برنامه هسته‌ای توسعه داده شد پس مسایل تحریم ایران جواب نداده است.

موضوع دوم این است که آقای اوباما در عرصه دیپلماسی در تنگنا قرار گرفته است. اخیرا نظرسنجی‌ای منتشر شد که اوباما نامونق‌ترین رییس‌جمهور در حوزه سیاست خارجی بوده است. در عراق، عسایل قضایا تحت فشار است در سوریه، شریک سعودی تولد است، به تحریم توسعه نرسید و افرادی به‌عنوان محافظ دولت قطل شدند که تورییست تکفیری و سلفی به سلاح می‌روند و جهان از آنها می‌هراسد. موضوع فلسطین، به یک چالش حقوق بشری و جهانی برای آمریکا تبدیل شده است و موضوع اوکراین و مناقشه این کشور با روسیه نیز به اینها اضافه شد. اوباما نیاز دارد تا برگ برنده‌ای، در داخل رو کند و بگوید موضوع هسته‌ای ایران را که مورد اختلاف جهانی بود از طریق مذاکره به نتیجه رسانده است.

▪ اما آیا شرایط سختی را برای مبادلات خارجی و اقتصاد ایران بسبب آوردند و به‌دنبال تصمیم تحریم‌ها ایران را به تسلیم وادار کنند.

▪ آیا اینکه غرب با توجه به رفتار برخی کشورهای خاورمیانه در ترویج بنیادگرایی، ترجیح می‌دهند شریک مطمئن و بااثباتی مثل ایران داشته باشند.

▪ آیا تعبیر روبکرد در مقطع نوعی تغییر رویکرد دیده می‌شود یا یک نوع‌هم

دیدگاه دانشگاهی

داوود هرمیداس‌باوند در گفت‌وگو با «شرق»:

ضرورت و زمان، حسن‌نیت هسته‌ای طرفین را ایجاب می‌کند

طیبه میرحسینی: موضوع هسته‌ای ایران، تلاقی مباحث فنی، سیاسی و دیپلماسی است. در این میان بارها گفته شده که وجه سیاسی این پرونده، در زوایای فنی آن می‌چربد. داوود هرمیداس‌باوند به سبب حضور در وزارت خارجه و همچنین استاد روابط بین‌الملل و یک فعال سیاسی، نگرشی جامع در تحلیل وضعیت موضوع هسته‌ای دارد. وی در گفت‌وگو با «شرق» با تحلیل تفاوت رویکرد و تاکتیک‌ها در دولت روحانی و فعالیت تیم جدید مذاکره‌کننده هسته‌ای، همزمان به نیاز غرب برای توافق با ایران نیز اشاره کرد که در ادامه می‌خوانید.

▪ ششمین دور از مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در وین، در حالی به پایان رسید که اشتون و ظریف، از تمدید مذاکرات هسته‌ای تا چهارماه آینده یعنی ۲۴نوامبر خبر دادند و طرفین متعهد شدند که در فرصت باقیمانده تمام توان خود را برای برگردن شکاف‌ها و کاهش اختلافات به‌کار بندند. شما به عنوان تحلیلگر روابط بین‌الملل، مذاکرات هسته‌ای در هشت‌ماه گذشته و روی‌کارآمدن تیم جدید مذاکره‌کننده در دولت روحانی را چگونه ارزیابی می‌کنید و آن را به‌نفع کدام‌یک از طرفین می‌دانید؟

از آغاز دولت یازدهم، مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ دوره‌های مختلفی را طی کرده است که ضرورت و زمان ایجاب می‌کرد این مذاکرات با حسن‌نیتی آغاز و پیگیری شود. از یک طرف تحریم‌های غرب، مورد اعتراض ایران قرار دارد و آن را نوعی اجحاف در حق ملت ایران و بازرگانی و صنعت و فعالیت‌های بانکی ایران قلمداد و نیاز به حل پرونده هسته‌ای ایران ضروری می‌کند. از سوی دیگر سومدیریت‌های دولت گذشته سبب افزایش مشکلات و معضلات داخلی شده بود. غرب نیز به دلایل خاص سیاسی و اقتصادی خود و تحولات اخیر منطقه در تلاش برای رسیدن به راه حل مساله هسته‌ای ایران بوده و هست. به طور طبیعی برای خروج از این وضعیت، طرفین باید با رویکرد جدیدی با مذاکرات برخورد می‌کردند و همین اتفاق هم رخ داد که نتایج آن را در این هشت‌ماه می‌توان دید که پیشرفت‌های قابل‌توجهی رخ داده است.

▪ آنچه در شش‌ماه مدت‌زمان توافق ژنو رخ داد، چگونه قابل‌ارزیابی است؟

در دور قبلی مذاکرات که با توافق همه‌جانبه ایران و گروه ۵+۱ در ژنو منتهی به توافق اولیه برای اجرا در طول شش ماه شد، هریک از طرفین تعهداتی را پذیرفتند. هرچند بیانیه بیشتر حالت اعلامی دارد و تعهدبر نیست اما طرفین در این مدت با اجرای آن، حسن‌نیت خود را در تلاش برای رسیدن به توافق نهایی و حل مساله نشان دادند. در این توافق ایران پذیرفته بود که نیمی از اورانیوم موجود غنی‌شده ۲۰درصد را به صورت اکسید ۲۰درصد برای تولید سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران ذخیره کند بقیه UF620درصد را به مواد کمتر از پنج‌درصد رفیق کند و همین‌طور برای این دوره شش‌ماهه، اورانیوم را بالاتر از پنج‌درصد غنی‌سازی نکند در مقابل غرب نیز باید تحریم‌های خود بر صنعت خودرو را رکه می‌کرد و دارایی بلوکه‌شده ایران را آزاد می‌کرد همچنین صادرات نفت ایران به میزان ۱ملیون بشکه در روز می‌شد. کشور کوچکی مانند قطر با شبکه الجزیره، آگهی‌ها جا را به هم می‌برند در شرایط فعلی، تیم مذاکره‌کننده به خوبی اطلاع‌رسانی می‌کند فقط گاهی بعضی تعدد موضع‌گیری‌ها، اگر قرار غیری خبرسنانی و خبری باشد می‌تواند تناقض‌هایی را هم پیدا کند که باید رفع شود.

▪ گفته می‌شود مسایل حقوقی میان ایران و ۵+۱ تا حد زیادی حل شده است. اینکه ما از پرونده هسته‌ای ایران خارج شویم یا تا توافقاتیه ارزیابی می‌کنید؟

▪ آیا تعبیر روبکرد در مقطع نوعی تغییر رویکرد دیده می‌شود یا یک نوع‌هم

▪ آیا اینکه غرب با توجه به رفتار برخی کشورهای خاورمیانه در ترویج بنیادگرایی، ترجیح می‌دهند شریک مطمئن و بااثباتی مثل ایران داشته باشند.

**▪ شما در مصاحبه‌ایتان، اثر شرایط داخلی ایران بر مذاکرات در این